

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ماه‌نامه علمی - پژوهشی، سال هجدهم، شماره دوم، اردیبهشت ۱۳۹۷، ۲۵۹-۲۷۹

تحلیل انتقادی تصحیحات و چاپ‌های دیوان شمس تبریزی

رحمان مشتاق‌مهر*

چکیده

کلیات شمس قرن‌ها کتاب محبوب حلقه‌های سماع و اهل ذوق و عرفان و دوست‌داران غزل ناب بوده است. نخستین چاپ انتقادی آن در سال‌های ۱۳۳۶-۱۳۴۴ به تصحیح استاد فروزان‌فر منتشر شد. چاپ‌های بعدی، آشکار و پنهان، براساس همان چاپ صورت گرفته است؛ بعضی به‌اهتمام افراد و بعضی با مباشرت ناشر. درکنار این چاپ‌ها تنها چاپ قابل اعتنا چاپ دوجلدی استاد سبحانی است که در سال ۱۳۸۱ به بازار نشر آمد و با توضیحاتی مفید هم‌راه بود. چاپ فروزان‌فر با همه امتیازاتش منتقدانی نیز داشت. از جمله منتقدان آن استاد شفیع‌ی بود که در مقدمه گزیده خود از غزلیات شمس، تصحیح دیگری از آن را ضروری دانست. آخرین کار شفیع‌ی در این خصوص گزیده کامل‌تری از آن بود که در سال ۱۳۸۸ انتشار یافت. علی‌رغم انتظار، این گزینش جز چند مورد تصحیح قیاسی کاملاً بر چاپ فروزان‌فر استوار است. این مقاله به چند و چون تصحیح فروزان‌فر از غزلیات، چاپ‌های قبل و بعد از آن، و گزیده مفصل شفیع‌ی فقط از منظر نسخه‌شناسی و تصحیح پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: مولوی، کلیات شمس، فروزان‌فر، شفیع‌ی، تصحیح، نسخه خطی.

۱. مقدمه

هرگونه مطالعه و تحقیق معتبر درباره نویسندگان و شاعران بزرگ مؤثر در حیات فکری و فرهنگی ملت‌ها براساس آثار به‌جامانده از آن‌ها صورت می‌گیرد؛ از این‌رو، هر اشتباه یا

* استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید مدنی، آذربایجان، r.moshtaghmehr@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۰

مسامحه‌ای در انتساب اثری، کلی یا جزئی، به یکی از آنان باعث گم‌راهی خواننده و پژوهش‌گری می‌شود که به قصد شناخت درست سبک و هنر یا آموزه‌ها و اندیشه‌های واقعی وی به مطالعه و تحقیق در آثار او می‌پردازد. مشروعیت و مقبولیت تمام تحقیقات مربوط به زندگی و خلاقیت ادبی و هنری و جهان‌بینی و تفکر و اعتقاد و آیین هر کدام از بزرگان قوم، به صحت و دقت مستندات تحقیق وابسته است. هرگاه معلوم شود که منابع و مآخذ استنادات محقق مخدوش و غیرقابل اطمینان بوده، کل دستاورد تحقیق بی‌اعتبار یا از درجه اعتبار آن کاسته می‌شود. مثلاً سیروس شمیسا در بیان حقیقت‌نمایی در غزلیات مولانا، که البته امری مسلم است، به این غزل او استشهاد می‌کند و خطاب و محتوای آن را با شمس مربوط می‌داند (شمیسا ۱۳۷۵: ۲۲۶):

شاگرد تو می‌باشم گر کودن و کژ پوزم تا زان لب خندانست یک خنده بیاموزم
ای چشمه آگاهی، شاگرد نمی‌خواهی؟ چه حيله کنم تا من خود را به تو دردوزم؟

(مولوی کلیات ۱۳۶۳: غزل ۱۴۶۳)

و استاد شفیعی کدکنی در توجیه رکاکت و سادگی موضوع بعضی از غزل‌های مولانا، از جمله غزلی با مطلع:

من سر نخورم که سرگران است پاچه نخورم که استخوان است

چنین می‌گوید (شفیعی کدکنی ۱۳۸۷: ۱۲۸):

ما امروز نمی‌پسندیم و بی‌گمان معاصران مولانا نیز نمی‌پسندیده‌اند که در وسط غزلی حرف‌های زشت و رکیک و دشنام‌گونه آورده شود؛ ولی از چنین غزل‌هایی می‌توان شیوه سرودن او را به‌خوبی دریافت که چگونه از ساده‌ترین مسائل زندگی به طرف شعر حرکت می‌کرده و در هنگام سرودن شعر به‌هیچ‌وجه نمی‌توانسته است احساسات خود را کنترل کند و سدی در برابر آن‌ها قرار دهد؛ حال این سد می‌خواهد سد «اخلاقیات» باشد یا سد سلیقه هنرمندان عصر که چنین بوطیقای را قطعاً نمی‌پسندیده‌اند.

دو غزلی که مورد استناد این دو استاد قرار گرفته در سه نسخه بسیار معتبر از دیوان شمس (مینوی ۱۳۸۶: ۱۶)؛ یعنی نسخه موزه قونیه (= قو) و نسخه کتاب‌خانه احمدپاشا در شهر افیون قره‌حصار (قح) و نسخه کتاب‌خانه اسعد افندی در استانبول (= عد) نیست و طبق نظر سخت‌گیرانه استاد مینوی، هر بیتی که در یکی از این سه نسخه متقدم نباشد از

مولوی نیست یا در صحت انتساب آن تردید جدی وجود دارد؛ در این صورت، چگونه می‌توان براساس این‌گونه غزل‌های مشکوک، درباره سبک یا شیوه شاعری مولانا به استدلال پرداخت؟!^۱

با این مقدمه به گزارشی از مهم‌ترین چاپ‌ها و تصحیحات کلیات شمس می‌پردازم. تعداد نسخه‌های خطی موجود از کلیات شمس به نسبت با نسخه‌های مثنوی، کم‌تر است. در فهرست نسخه‌های خطی فارسی استاد احمد منزوی ۷۴ و در کتاب‌شناسی مولوی به تدوین خانم صدیق بهزادی ۶۵ متن کامل از کلیات معرفی شده است (صدیق بهزادی ۱۳۸۵: ۵۲۶-۵۵۰) و این در مقایسه با ۲۰۸ نسخه خطی‌ای که تنها تا پایان قرن نهم شناسایی و معرفی شده است (سبحانی ۱۳۸۶: ۵۵) ناچیز و معنی‌دار است.

۲. چاپ‌های قبل از تصحیح فروزان‌فر

قدیم‌ترین چاپ‌های کلیات که در حدود ۱۲۸۰ ق در ایران یا ۱۸۷۸ م در لکهنوی هند به چاپ رسیده است غالباً مبتنی بر نسخه‌های غیرمعتبر متأخر و مشحون از سروده‌های دیگران است. تا حدود پنجاه سال پیش، غالب چاپ‌های کلیات تجدید چاپی از نسخه لکهنوی یا نسخه‌ای بوده که در ایران به کوشش رضاقلی‌خان هدایت به نام دیوان شمس الحقایق به چاپ رسیده است. هنوز هم چاپ‌های بازاری و مشتری‌پسندی از آن، هرچند وقت یک‌بار، با نام و رنگ‌ورویی متفاوت به دست عامه خوانندگان می‌رسد. نخستین چاپ نیمه منقح کلیات در ایران که حاصل مطابقت نسبی چاپ‌های موجود تا آن زمان بود، در سال ۱۳۳۶ توسط انتشارات امیرکبیر منتشر شد. این چاپ، که متضمن شرح حالی از مولانا به قلم استاد فروزان‌فر و سیری در دیوان شمس علی دشتی بود، در سال ۱۳۴۱ با استفاده از مجلدات منتشرشده کلیات شمس تصحیح فروزان‌فر مورد تجدیدنظر قرار گرفت و در یک جلد حجیم که مشتمل بر ۴۲۰۰۰ بیت (۳۵۰۲ غزل و ۱۹۹۵ رباعی) بود، انتشار یافت. در چاپ بعدی که در سال ۱۳۴۵ صورت گرفت، فرهنگ موجزی نیز بدان ضمیمه شد که البته نسبتی با فرهنگ نوا در لغات چاپ فروزان‌فر نداشت. نوزدهمین چاپ این کلیات در سال ۱۳۸۵ به بازار نشر آمده است.^۲

۳. تصحیح فروزان‌فر

استاد فروزان‌فر، که به واسطه مرحوم ادیب نیشابوری (۱۲۸۱-۱۳۴۴ ق) و با غزل:

بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست بگشای لب که قند فراوانم آرزوست

با غزلیات مولانا آشنایی یافته و با اشتیاق تمام منتخبی از آن را در ضمن *مجمع‌الفصحا* به مطالعه گرفته بوده، در نهایت به نسخه‌ای از کلیات شمس چاپ لکهنو دست می‌یابد و هرازگاهی از آن باده‌منصوری جان را نشاط می‌بخشد تا این‌که در سال ۱۳۱۲ برای تهیه مواد رساله شرح حال مولانا، بار دیگر و این بار به نظر تحقیق و نقد، *دیوان* را مطالعه می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که «نسخه *دیوان* چاپ لکهنو ارزش چندانی ندارد و در اشعار اصلی آن، حذف و اضافات ناروا راه یافته و عده بسیاری از غزلیات دیگران در ضمن اشعار اصلی آمده است» (مولوی ۱۳۶۳ مقدمه: آ - ب)؛ از این رو، برای دست‌یافتن به متن اصیل غزلیات، به سراغ نسخه‌های خطی می‌رود و بعد از تحصیل اصل یا عکس دوازده نسخه، با دست‌یاری دو تن از همکاران و دانشجویان خود، حسین کریمان و امیرحسن یزدگردی، تصحیح *دیوان* را بر مبنای نُسخه قدیم‌تر و معتبرتر آغاز می‌کند.

نسخه‌های مورد استفاده استاد به معرفی خود ایشان در مقدمه جزو اول کلیات

این‌ها هستند:

۱. عکس نسخه متعلق به کتاب‌خانه **اسعد افندی** در «سلیمانیه کتاب‌خانه‌سی» در شهر استانبول مشتمل بر ۳۴۸ ورق به خط روشن و پخته که شیوه خط و صحت نسخه و دقت در ضبط کلمات حاکی از آن است که در ربع آخر قرن هفتم یا اوایل قرن هشتم استنساخ شده است. این نسخه ۱۰/۳۷۲ بیت دارد و با رمز «عد» مشخص شده است.

۲. عکس نسخه متعلق به موزه آثار مولانا در قونیه مشتمل بر ۲۵۲ ورق به خط نسخ روشن و پخته که تاریخ ندارد، ولی شیوه خط و دقتی که در ضبط کلمات به کار رفته و صحت کم‌نظیر آن گواهی عدل است بر این‌که نزدیک به زمان مولانا و در اواخر قرن هفتم از روی نسخه‌های دست‌اول کتابت شده است.

این نسخه از حیث دقت و صحت بر نسخه «عد» ترجیح دارد و در تصحیح *دیوان* پس از امعان نظر و دقت و مقایسه سایر نسخ، بر این نسخه، اعتماد کلی حاصل شده است. این نسخه ۱۰/۸۱۰ بیت دارد و رمز آن «قو» است.

۳. نسخه عکسی که اصل آن متعلق به کتاب‌خانه **چستر بی‌تی** است، مشتمل بر ۳۵۹ ورق به خط نسخ متوسط واضح با همان شیوه و اسلوب معمول در کتب قرن هفتم.

این نسخه از جهت صحت درخور اعتماد است؛ هرچند به پای نسخه «قو» نمی‌رسد. این نسخه ۳۸/۱۲۴ بیت دارد و رمز آن «چت» است.

برخلاف نظر کاملاً مثبت و تأییدآمیزی که استاد فروزان‌فر از استاد مینوی دربارهٔ این نسخه نقل کرده‌اند، وی در سخنرانی خود در مجلس بزرگداشت مولانا، آن را از همان نسخه‌های «اوعی و اجمع» معرفی کرده که دارای مبلغ زیادی غزل‌های الحاقی مردود یا مشکوک^۴ فیه است (مینوی ۱۳۸۶: ۱۶). شفیع‌ی نیز از این نسخه با تعبیر نسخهٔ بسیار مهم یاد می‌کند (شفیع‌ی ۱۳۸۷: ۴۷۶).

۴. عکس نسخهٔ محفوظ در موزهٔ قونیه مشتمل بر ۵۲۴ ورق به خط نسخ پختهٔ جلی به همان سبک و شیوهٔ کتابت نسخه‌های مذکور. این نسخه مورخ نیست و به‌هرصورت تاریخ کتابت آن نباید از ربع اول قرن هشتم متأخر باشد. به همین جهت در بسیاری از موارد ما را به حل مشکلات رهنمون بوده است. این نسخه ۳۰/۵۳۵ بیت دارد و رمز آن «مق» است.

۵. عکس نسخهٔ متعلق به کتابخانهٔ استانبول مشتمل بر ۳۰۰ ورق به خط نسخ جلی و واضح مورخ به اوایل رمضان ۷۲۳. این نسخه متخبی از دیوان کبیر و حاوی ۶۶۰ بیت غزل و ۱۹۳۷ رباعی است. به‌لحاظ منتخب‌بودنش با رمز «خب» مشخص شده است.

۶. عکس نسخهٔ متعلق به کتابخانهٔ احمد پاشا در شهر افیون قره حصار مشتمل بر ۲۰۲ ورق به خط نسخ بسیار خوب و دقیق که در اوایل رمضان ۷۲۷ به‌دست کاتب نسخهٔ «خب» استنساخ شده است. این نسخه کامل و بدون نقص و غلط آن کم و نادر است؛ بدین سبب در تصحیح دیوان، مورد اعتماد تمام بوده است. این نسخه ۵/۸۷۶ بیت دارد و رمز آن «قح» است.

۷. عکس نسخهٔ دیگری از همان کتابخانه مشتمل بر ۲۷۸ ورق به خط نسخ روشن که در ۷۳۰ کتابت آن به پایان رسیده است. این نسخه مشتمل است بر غزلیات از اول حرف «ر» تا آخر حرف «ن». تعداد ابیات آن ۱۰/۷۳۷ بیت و رمز آن «قص» (قره حصار) است.

۸. نسخهٔ عکسی متعلق به کتابخانهٔ حاج محمدآقا نخجوانی که نسخه‌ای است مشتمل بر غزلیات حرف «و» و «ه» و «ی» به خط نسخ متوسط جلی و از حیث صحت و دقت، درخور اعتماد است. تاریخ کتابت ندارد، ولی نباید متأخر از اوایل قرن هشتم باشد. این نسخه مدتی در اختیار نگارنده بوده و نسخهٔ ملکی خود را با آن مقابله کرده. رمز آن «خج» است.

۹. نسخهٔ عکسی شامل دو جزو که اصل آن محفوظ است در موزهٔ قونیه مشتمل بر ۶۴۹ صفحه به خط نسخ پختهٔ روشن که در ۷۶۸ تا ۷۷۰ کتابت شده است.

این نسخه از جهت تزئین و تذهیب بر سایر نسخ ترجیح فراوان دارد. این نسخه مرتب است به حسب اوزان و در هر بحر به ترتیب قوافی و چون این نسخه کامل‌ترین نسخه است و عده اشعار آن از همه پیش‌تر، آن را در استنساخ، مبنای کار قرار دادیم و اضافات سایر نسخ را بر آن افزودیم (مولوی ۱۳۶۳: مقدمه فروزان فر صفحه یح).

عکس این نسخه را فریدون نافذ فراهم کرده، عده این ابیات آن ۴۰/۳۸۰، و رمز آن «فذ» است.

سه نسخه دیگر که هر سه متعلق به خود استاد بوده، به ترتیب در اوایل قرن نهم و قرن دهم و دوازدهم کتابت شده بوده‌اند، به دلیل تازگی نسخ و احتمال تصرف کاتبان از هیچ‌یک در مقابله دیوان استفاده نشده است.

علاوه بر این سه نسخه، بعد از انتشار جزو اول، عکس یک نسخه و بعد از انتشار سه جزو نخست، عکس یک نسخه دیگر نیز به دست استاد رسیده است که ایشان درباره آن دو نیز چنین توضیح داده‌اند:

۱. عکس نسخه متعلق به کتابخانه ملی وین (پایتخت اتریش) به خط نستعلیق متوسط مشتمل بر ۷۷۶ صفحه و ۳۵/۲۰۷ بیت. ترتیب غزلیات به حسب ترتیب قوافی است و پس از آن ترجیعات و در آخر رباعیات را نوشته. تاریخ کتابت ۸۴۵ است. به سبب تازگی نسخه در مقابله و تصحیح دیوان از آن استفاده نشد؛ مگر در ترجیح بعضی از نسخ اساس بر یک‌دیگر آن هم در چند مورد معدود. رمز این نسخه «ین» است (مولوی ۱۳۶۳: مقدمه جزو دوم).

۲. عکس نسخه خطی مضبوط و مصححی که متعلق به حسن عالی بیک یوجل، از فضلالی به نام ترکیه، بوده است. این نسخه با خط نسخ بسیار روشن و با اختصاصات کتب قدیمه از جهت فرق میانۀ (د و ذ) و یک‌سان نوشتن (ب و پ) و (ج و چ) و (ز و ژ) نوشته شده و غالب کلمات مشکول است، اما شکل آن‌ها به وثاقت و صحت «قو» و «چت» نیست؛ باین‌همه در اکثر موارد درخور اعتماد تواند بود. این نسخه تاریخ ندارد، ولی از سبک خط و نوع کاغذ مسلم می‌گردد که در نیمه اول قرن هشتم استنساخ شده است. این نسخه مشتمل است بر ۴۱۴ ورق و ۱۲/۹۲۷ بیت و رمز آن «عل» است (مولوی ۱۳۶۳: مقدمه جزو چهارم).

در میان ده نسخه‌ای که استاد فروزان فر عملاً در تصحیح از آن‌ها استفاده کرده است، سه نسخه «عد»، «قو»، و «چت» به اواخر قرن هفتم و بقیه نسخه‌ها جز «فذ» به اوایل قرن هشتم اختصاص دارند. متأخرترین نسخه از میان ده نسخه نسخه قونیه است که عکس آن

به‌واسطه آقای فریدون نافذ به‌دست استاد رسیده و از آن‌رو رمز «فذ» برای آن انتخاب شده است.

این نسخه به‌دلیل این‌که از لحاظ کمی کامل‌تر و عدّه اشعار آن از بقیه نسخه بیشتر بوده، متأسفانه اساس فراهم‌آوردن متن قرار گرفته و اضافات بقیه نسخه بدان افزوده شده است. البته باید یادآوری کرد که در تصحیح متن ابیات، ضبط اکثر نسخه اساس معتبر شمرده شده است؛ مگر این‌که ضبط یک یا چند نسخه وجه ترجیحی ثابت و روشن نسبت به اکثر نسخه داشته که در این صورت آن به متن برده شده و ضبط اکثر به پانوشنت انتقال یافته است. در موارد تساوی نسخه، ضبط اقدم نسخه مرجح شمرده شده است.

این تصحیح در ترتیب و تدوین غزلیات، به‌ترتیب آن‌ها در نسخه‌های خطی، که «به حسب اوزان و در هر بحر به‌ترتیب قوافی» مرتب بوده‌اند، تا حدودی وفادار مانده است؛ بدین معنی که غزلیات به‌ترتیب حروف قوافی از «الف» تا «یا» مرتب و هر حرف به‌ترتیب بحور [عروضی] از هشت‌تایی تا شش‌تایی منظم شده و فروع هر بحری به‌دنبال بیت اصلی با ملاحظه زحافات آمده است (مولوی ۱۳۶۳: مقدمه جزو اول).

روشی که استاد در ترتیب هر غزل در بحرهای عروضی پیش گرفته‌اند برای تشخیص آسان‌تر غزلیات مسلم و معتبر و غزلیات الحاقی بسیار کارآمد است. بدین معنی که تقدیم و تأخیر غزلیات در هر بحر با ملاحظه وجود آن‌ها در نسخه خطی صورت گرفته، غزلیاتی که در تمام نسخه موجود بوده‌اند مقدم بر غزلیات دیگر آمده‌اند و پس از آن به‌اعتبار وجود آن‌ها در اکثر نسخه، ترتیب یافته‌اند تا غزلیاتی که فقط در یک نسخه ضبط شده بوده‌اند. بدین طریق، درجه قوت و ضعف اسناد یا تعداد نسخه‌های پشتیبان هر غزل برای خوانندگان روشن می‌شود.

این شیوه تصحیح اگرچه باعث شده مقدار معتناهی از غزل‌های غیراصیل و الحاقی وارد متن کلیات گردد و تا امروز نه‌تنها در تلقی عامه خوانندگان، بلکه در شیوه برخورد و گزینش استادان بزرگی مثل شفیع کدکنی نیز غزل مولانا فرض شود، درعین حال به خواننده کمک می‌کند تا با یک تورق و نظر کلی غزل‌های اصیل و الحاقی را تشخیص دهد و اگر خواست، در تحقیقات خود غزل‌هایی با اسناد ضعیف، غزل‌هایی با یک یا چند پشتیبان از نسخه‌های کم‌اعتبار، را نادیده بگیرد.

برای نشان‌دادن میزان اعتبار و صحت انتساب اشعار تصحیح فروزان‌فر به مولانا، تعداد غزل‌ها و ابیات این چاپ از جهت نسخه‌های پشتیبان شمارش شده و آمار مندرج در جدول زیر به‌دست آمده است:

تعداد نسخه‌های واجد	غزل‌ها و ترجیعات	ابیات
۹	۷۳ درصد ۲/۲۲	۸۷۷ درصد ۲/۴۱
۸	۲۴۸ درصد ۷/۵۶	۳۴۴۴ درصد ۹/۴۷
۷	۷۱۱ درصد ۲۱/۶۹	۸۵۱۰ درصد ۲۳/۴۰
۶	۱۲۶۸ ۳۸/۶۸	۱۳۴۲۰ درصد ۳۶/۹۱
۵	۵۹۷ درصد ۱۸/۲۱	۶۳۱۸ درصد ۱۷/۳۷
۴	۴۹ درصد ۱/۴۹	۵۲۲ درصد ۱/۴۳
۳	-	-
۲	۲۲۵ درصد ۶/۸۶	۲۰۹۱ درصد ۵/۷۵
۱	۱۰۷ درصد ۳/۲۶	۱۱۷۴ درصد ۳/۲۲
	۳۲۷۸	۳۶۳۵۶

با یک نگاه به این آمار معلوم می‌شود که حدود ۷۰ درصد غزل‌ها و ترجیعات و ۷۲ درصد ابیات در بیش از پنج نسخه درج شده‌اند و ۳۰ درصد بقیه پشتیبانی پنج نسخه یا کم‌تر دارند. البته در این آمارگیری، اعتبار همه نسخه‌ها در یک سطح ارزیابی شده و قدمت و اعتبار ویژه آن‌ها نادیده گرفته شده است. هم‌چنین حدود ده درصد از غزلیات و ترجیعات و ابیات فقط در یک یا دو نسخه درج شده‌اند که احتمال الحاقی بودن آن‌ها بسیار بیش‌تر است.

برای این‌که از غزلیات و ترجیعات و ابیات واجد نسخه‌های پشتیبان معتبر و کیفی نیز (البته براساس دیدگاه استاد مجتبی مینوی) آماری به‌دست دهیم، یک بار دیگر کل غزل‌ها را از جهت این‌که در سه نسخه معتبر «عد»، «قو»، و «فح» ثبت شده‌اند یا نه، بررسی می‌کنیم. از نظر مینوی هر غزلی که در یکی از این سه نسخه نباشد از مولانا نیست و الحاقی است. از میان کل غزلیات و ترجیعات ۱۱۴ غزل و ۳ ترجیع؛ یعنی ۱۵۸۴ بیت در هر سه نسخه و ۳۱۴ غزل و ۱۲ ترجیع؛ یعنی ۴۳۵۲ بیت در دو نسخه و ۱۰۲۵ غزل و ۱۵ ترجیع؛ یعنی ۱۱/۲۳۴ بیت در یکی از این سه نسخه آمده است. بنابراین، از دیدگاه مینوی تنها ۱۴۵۳ غزل،

تحلیل انتقادی تصحیحات و چاپ‌های دیوان شمس تبریزی ۲۶۷

۳۰ ترجیع (۴۴٪) و ۱۷/۱۷۰ بیت (۴۷/۲۲) قطعاً از مولوی است و بیش از پنجاه درصد غزل‌ها و ابیات موجود حداقل مشکوکاً فیه است.

برای نمونه، مطلع چند غزل معروف را، که در تمام نسخ مورد مراجعه استاد فروزان‌فر مندرج بوده، ذکر می‌کنیم. در واقع، این نوع غزل‌هاست که باید اساس و ملاک هرگونه تحقیقی درباره مولوی قرار بگیرد:

ای رستخیز ناگهان و ای رحمت بی‌متها
ای آتشی افروخته در بیشه اندیشه‌ها
(مولوی ۱۳۶۳: غزل ۱)

رسید آن شه، رسید آن شه، بیارایید ایوان را
فرو برید ساعدها برای خوب کنعان را
(همان: غزل ۵۸)

درآ تا خرقه قالب دراندازم همین ساعت
درآ تا خانه هستی بپردازم همین ساعت
(همان: غزل ۳۲۴)

بار دگر آن دلبر عیار مرا یافت
سر مست همی گشت به بازار مرا یافت
(همان: غزل ۳۳۰)

ای دل فرو رو در غمش، کالصبر مفتاح الفرج
تا رو نماید مرهمش، کالصبر مفتاح الفرج
(همان: غزل ۵۱۹)

دلا نزد کسی بنشین که او از دل خبر دارد
به زیر آن درختی رو که او گل‌های تر دارد
(همان: غزل ۵۶۳)

آن سرخ قبایی که چو مه پار برآمد
امسال در این خرقه زنگار برآمد
(همان: غزل ۶۳۹)

هر کدام از غزل‌های زیر نیز تنها در یکی از نسخه‌ها (البته غیر از ۳ نسخه بسیار معتبر) هست و به احتمال قریب به یقین الحاقی و سروده دیگران است:

در آب فکن ساقی، بطزاده آبی را
بشتاب و شتاب اولی مستان شبابی را
(همان: غزل ۹۱ فذ)

ای هوس‌های دلم باری بیا رویی نما
ای مراد و حاصلم باری بیا، رویی نما
(همان: غزل ۱۵۷ مق)

گر تو پنداری به حسن تو نگاری هست، نیست
ور تو پنداری مرا بی تو قراری هست، نیست
(همان: غزل ۴۰۳ فذ)

هر نفس آواز عشق می‌رسد از چپ و راست
ما به چمن می‌رویم عزم تماشا که راست
(همان: غزل ۴۷۲ فذ)

بیگاه شد بیگاه شد خورشید اندر چاه شد
خورشید جان عاشقان در خلوت الله شد
(همان: غزل ۵۴۲ فذ)

ز رویت دسته گل می‌توان کرد
ز زلفت شاخ سنبل می‌توان کرد
(همان: غزل ۶۸۴ فذ)

شب شد و هنگام خلوتگاه شد
قبله عشاق روی ماه شد
(همان: غزل ۸۳۲ فذ)

تصحیح استاد فروزان‌فر به‌طور کامل تاکنون دو بار توسط انتشارات دانشگاه تهران (یک بار در قطع رحلی در ۱۳۳۶-۱۳۴۲ در ۸ ج و یک بار در قطع وزیری در ۱۳۴۴ در ۱۰ جلد؛ ۹ مجلد) و سه بار توسط انتشارات امیرکبیر (در سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۳، و ۱۳۷۸) به‌چاپ رسیده است. از آن‌جاکه این انتشار محدود جواب‌گوی خیل عظیم کتاب‌خوانان حرفه‌ای و پژوهندگان و دانشجویان ادبیات فارسی نبود، بعضی از این فرصت استفاده کردند و چاپ فروزان‌فر را با افزودن مقدمه‌ای کلیشه‌ای و معنی لغات پیش‌پافتاده و حرکت‌گذاری برای نشان دادن تلفظ کلمات تجدید چاپ کردند و نام خود را نیز به‌عنوان مصحح، ویراستار، گردآورنده، و کوشنده بر آن افزودند. بامداد جویباری، پرویز بابایی، مصطفی زمانی‌نیا، عزیزالله کاسب، جواد اقبال، قاسم میرفصیح، مجتبی مولوی، منصور مددی، محمدرضا تبریزی شیرازی، محمدمهدی پورفاطمی، اردوان بیاتی، و هوشنگ ره‌نما از این دسته‌اند.

هم‌زمان با این چاپ‌ها، علاوه‌بر کلیات شمس یک‌جلدی امیرکبیر که قبلاً از آن سخن رفت، چاپ‌های غیرمنتخب در شکل و ظاهر جدید هم‌چنان به‌چاپ می‌رسید و مشتریان و خواستاران خاص خود را داشت. کلیات شمس به‌تصحیح م. درویش (انتشارات جاویدان) و محمد عباسی (طلوع) و منصور مشفق (صفی‌علیشاه) از آن جمله‌اند.

در سال ۱۳۷۸ مدت قانونی سی‌ساله حق مؤلف بر تصحیح فروزان‌فر به‌پایان رسید^۳ و ناشرانی که منتظر فرصتی برای بهره‌مندی از خوان گسترده مولانا و فروزان‌فر بودند حتی

اندکی زودتر دست‌به‌کار شدند و به فاصله‌ی یکی دو سال، سی‌چهل چاپ مختلف یک‌جلدی و دوجلدی بر مبنای تصحیح فروزان‌فر منتشر کردند.

این چاپ‌ها غالباً با توضیح «بر اساس نسخه‌ی فروزان‌فر» به بازار می‌آمد و نام دیگری غیر از ناشر بر روی جلد نداشت. ربیع، بوستان کتاب، دفتر نشر راد، راستین، نشر افکار، بهزاد، مستوفی، نغمه، سنایی، نشر ثالث، پیمان، دل آگاه، فرادید، سیمای دانش، امیر مستعان، زهره، جار، برگ‌نگار، زارع، سرایش، آبیاری، ارمغان، نشر کانون، هم‌گامان، بهنود، مهتاب، اریحا، بارقه، پورنگ، کاروان دانش، قائد، واژگان، کتاب خوب، و مؤسسه‌ی انتشارات در دهه‌ی هفتاد و هشتاد ناشران عمده‌ی کلیات شمس بودند.

۴. چاپ تک‌نسخه‌ای توفیق سبحانی

بعد از تصحیح فروزان‌فر و چاپ‌های متعدد مبتنی بر آن، تنها متن کاملی که به‌عنوان تصحیحی متفاوت عرضه شد چاپ کلیات بر مبنای تک‌نسخه‌ی موزه قونیه (همان متن مبنای فروزان‌فر از لحاظ جامعیت) به‌اهتمام استاد توفیق سبحانی بود.

در سال ۱۳۸۶ چاپ عکسی نسخه‌ی قونیه به مباشرت مؤسسه‌ی پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و با نظارت توفیق سبحانی منتشر شد و بلافاصله نسخه‌ی چاپی آن نیز، که با عجله فراهم شده بود، به بازار آمد و بعد از پخش کتاب، معلوم شد صدها غلط چاپی و غیر چاپی در آن داخل شده است.

چنان‌که گفته شد، نسخه‌ی قونیه در میان ده نسخه‌ی اساس فروزان‌فر، متأخرترین آن‌ها بوده و فقط از جهت جامعیت اشعار بر نسخه‌های دیگر ترجیح داشته است.

کافی است یادآوری کنم که از میان ۳۵ غزل تک‌نسخه‌ای که در دو جزو اول چاپ فروزان‌فر وجود دارد، ۳۲ غزل از نسخه‌ی قونیه (فد) نقل شده است و این دلیل بر آن است که در آن نسخه غزل‌هایی وجود دارد که هیچ نسخه‌ی دیگری انتساب آن را به مولانا تأیید نمی‌کند.

استاد توفیق سبحانی در مقدمه‌ی کتاب در بیان اهمیت نسخه‌ی قونیه با اندکی مبالغه و چنان سخن گفته‌اند که گویا این نسخه از لحاظ ضبط کلمات نیز مبنای چاپ فروزان‌فر بوده است! از این رو، در مقاله‌ای با طرح صد مورد اختلاف ضبط چاپ فروزان‌فر و نسخه‌ی قونیه، روح ایشان را مخاطب قرار داده و سؤال کرده‌اند که چرا نسخه‌ی مصحح ایشان گاهی مغایر با ضبط نسخه‌ی قونیه است (سبحانی ۱۳۸۶).

توفیق سبحانی، که قبلاً در سال ۱۳۸۳ تصحیح فروزان‌فر را با تعلیقات و توضیحات و ترجمه ابیات عربی منتشر کرده بود، همان حواشی را با تغییرات و تجدیدنظر جزئی به چاپ جدید نیز منتقل کرده است.

اگرچه زحمت ایشان در قرائت نسخه قونیه و به‌دست‌دادن چاپی جدید از کلیات برای پژوهش‌گران مغنم است، واقع این است که این نسخه هیچ ترجیحی بر نسخه فروزان‌فر ندارد و اگر در موارد نادری بعضی ضبط‌های آن، که غالباً در حواشی چاپ فروزان‌فر به‌عنوان نسخه بدل آمده است، بر ضبط مختار فروزان‌فر ترجیح داشته باشد، منحصر در موارد مذکور در مقاله ایشان است.

هم‌چنین برخلاف اصول چاپ تک‌نسخه گاهی دیده می‌شود که ایشان شاید ناخودآگاه از نسخه اساس خود عدول کرده و ضبط فروزان‌فر را بدون هیچ تذکری به متن برده‌اند.

۵. غزلیات شمس تبریز شفیعی کدکنی

استاد شفیعی کدکنی جزو نخستین منتقدان تصحیح فروزان‌فر بود و سال‌ها پیش در مقدمه خود برگزیده غزلیات شمس، لزوم تصحیح دوباره آن را خاطر نشان کرد؛ از این‌رو، در طول این سال‌ها قاطبه علاقه‌مندان مولانا و کسانی که به دقت علمی و ذوق سرشار و شعرشناس شفیعی اعتماد داشتند منتظر بودند خبر انتشار تصحیح تازه کلیات توسط ایشان را بشنوند ولی آن‌چه منتشر شد متن توسعه‌یافته گزیده قبلی ایشان بود.

غزلیات شمس تبریز اگرچه تصحیح تازه‌ای از غزلیات نیست، به‌لحاظ ارزش و مقبولیتی که دیدگاه‌های مؤلف دانشمند آن در جامعه علمی و ادبی ایران دارد، شایسته مطالعه دقیق و نقد و تحلیل است.

در این کتاب دوجلدی ۱۰۶۵ غزل از تصحیح فروزان‌فر و ۱۰ غزل از غزل‌های معروف منسوب به مولانا از نسخه‌های دیگر و ۲۵۰ رباعی انتخاب و تفسیر شده است.

نکته‌هایی که در این‌جا درباره این اثر گفته خواهد شد فقط از دیدگاه تصحیح انتقادی غزل‌هاست، نه حواشی و توضیحات ایشان.

شفیعی ضمن تصریح بر این‌که تصحیح فروزان‌فر تاکنون درست‌ترین چاپ کلیات است، از ایشان انتقاد کرده است که به‌جای اقدام نسخ، نسخه‌ای را که جامع‌تر و خوش‌خط‌تر بوده اساس کار خود قرار داده است؛ در صورتی که قواعد جهانی تصحیح متن،

در این گونه مواقع، چنین ایجاب می‌کند که از نسخه‌های کهن‌تری که حجم کم‌تری دارند، به‌عنوان پایه و اساس کار استفاده شود (شفیعی کدکنی ۱۳۸۷: مقدمه ۴۴).

انتقاد شفیعی کاملاً به‌جاست؛ از این رو، خواننده انتظار دارد ایشان برای انتخاب غزل‌ها سراغ غزل‌هایی بروند که به تأیید نسخه‌های اقدم، مسلماً یا به‌احتمال بیش‌تر، از مولاناست؛ درحالی‌که ایشان حتی غزل‌هایی را آورده‌اند که برای اثبات استناد آن‌ها به دیگران دلیل اقامه کرده‌اند! پاسخ ایشان به انتظار برحق خوانندگان چنین است: آنچه بین الدفتین چاپ استاد فروزان‌فر بوده است در تعریف ما، دیوان کبیر مولاناست و ما نمی‌خواهیم که در ساختار آن کتاب به تشکیک پردازیم. اگر قرار شود که چنین نقدی عملاً بر آن کتاب وارد شود، شاید ۲۵ درصد غزل‌ها حذف شود؛ زیرا به دلایل سبک‌شناسی و قراین نسخه‌شناسی این امر اجماً مسلماً است (شفیعی کدکنی ۱۳۸۷: ۱۳۹). وقتی استاد برجسته‌ای اطمینان قطعی یا حتی نسبی دارد بر این‌که غزلی از مولانا نیست، چگونه آن را در کتابی جای می‌دهد که خوانندگان آن را به‌نام مولانا می‌شناسند و می‌خوانند؟! ممکن است گفته شود که وقتی ایشان در یادداشت خود بر تعلق غزل به شاعری دیگر تصریح می‌کنند، خواننده تکلیف خود را می‌داند ولی این اتفاق فقط در مورد چند غزل افتاده است؛ درحالی‌که مثلاً در میان غزل‌های این کتاب ۲۳ غزل تک‌نسخه‌ای و ۶۳ غزل دونسخه‌ای وجود دارد که به‌احتمال زیاد از مولانا نیست. از دیدگاهی دیگر، فقط ۴۷۴ غزل (یعنی ۴۴ درصد) در یکی از سه نسخه معتبر موردنظر مینوی یعنی «قو، قح، و عد» آمده است. در جدول ذیل، تعداد غزل‌ها و ابیات غزلیات شمس تبریز از جهت نسخه‌های پشتیبان به‌دقت شمارش و نشان داده شده است:

نسخه	جمع	یک	دو	سه	چهار	پنج	شش	هفت	هشت	نه
غزل	۱۰۶۱	۲۳	۶۳	-	۶	۱۲۷	۴۰۴	۲۷۵	۱۲۰	۴۳
بیت	۸۵۸۰	۱۷۸	۴۶۵	-	۳۹	۹۸۷	۳۱۶۱	۲۲۴۱	۱۱۲۸	۳۸۱

سه نسخه «قو، قح، و عد»

جمع	یک‌نسخه	دونسخه	سه‌نسخه
۴۷۴	۳۵۸	۱۴۳	۷۳
۵۸۵۵	۲۹۱۸	۱۲۸۵	۶۵۲

در مقدمه آورده‌اند: در بسیاری موارد به تصحیح متن پرداخته‌ام که با چاپ استاد فروزان‌فر تفاوت یافته است و دلایل خویش را در این باره به تفصیل یادآور شده‌ام. بسیاری از شعرها را که نمی‌توانسته از آن مولانا باشد خاطر نشان کرده‌ام و دلایل آن را توضیح داده‌ام (همان: ۱۲).

برای این‌که مقدار و مصادیق این موارد بسیار معلوم شود، آن‌ها را از جلد اول استقصا و استخراج کرده‌ام.

در ۴۸۰ غزل جلد اول فقط ۴ مورد تصحیح قیاسی صورت گرفته است:

۱. من شادمان چون شاه نو تو جانفزا چون جاه نو
وی در غم تو ماه نو چون من دو تا آویخته

□ شاه نو (به معنی تازه‌داماد) در مصراع اول دراصل ماه نو بوده است (همان: ۱۳۹).

۲. اگر این لشکر ما را ز چشم بد شکست افتد
به امر شاه لشکرها از آن بالا فرو راند

□ فرو راند دراصل فرو آید بوده که باتوجه به مغایرت با سایر قوافی به «فرو راند» تبدیل شده است (همان: ۳۸۲).

۳. می ده گزافه ساقیا تا گم شود خوف و رجا
گردن بزن اندیشه را ما از کجا، او از کجا!

□ گم شود دراصل کم شود بوده است (همان: ۱۷۱۰).

۴. نوح تویی، روح تویی فاتح و مفتوح تویی
سینه مشروح تویی پُرڈرِ اسرار مرا

□ پُرڈرِ اسرار دراصل بر درِ اسرار بوده که به «پُرڈرِ اسرار» تبدیل شده است (همان: ۱۷۵).

و در چهار مورد نسخه بدل جای‌گزین ضبط متن شده است:

۱. یا قالب بشکست و بدان دوست رسیدیت یا دام بشد از کف و از صید جدایید
• براساس نسخه قونیه (فد) «رسیدیت» به جای «رسیدست» در متن نشسته است (همان: ۴۱۴).

۲. برهنگان ره از آفتاب جامه کنند برهنگان ره عشق را قبا مدهید

• براساس دو نسخه «حَب» و «چَت» کنند در مصراع اول به جای کنید آمده و براساس آن بیت چنین معنی شده است: وقتی برهنگان را خورشید قباست، پس برهنگان عشق نیز از خورشید عشق برخوردارند (همان: ۵۳۹).

۳. چو پَر و بال ز تو یافته‌ست ز غیر تو به کجا باشدش امیدِ پرید

• «امیدِ پرید» به جای «امیدِ مرید» به متن برده شده و چنین توضیح داده شده است:
□ «پرید» مصدرِ مرخَم است؛ ما متن را از نسخه قونیه (نسخه عکسی صفحه ۱۵۷) نقل کردیم. در نسخه فذ (نافذ پاشا) نیز مانند قونیه است (همان: ۵۵۵).

• این غزل در پنج نسخه هست و در چهار نسخه نیست. در یک نسخه (خَب) «مزید» است و در یک نسخه (فذ) «پرید» و در سه نسخه دیگر «مرید».

نسخه قونیه‌ای که استاد نسخه عکسی آن را در اختیار داشته و در فهرست منابع مشخصاتش را آورده‌اند، همان نسخه چاپ مؤسسه حکمت و فلسفه، یعنی همان نسخه «فذ» است؛ در نتیجه «پرید» فقط در همان یک نسخه است؛ از توضیحی که استاد داده‌اند به نظر می‌رسد که ایشان نسخه عکسی در اختیار خود را غیر از نسخه «فذ» می‌دانسته‌اند!

۴. سلسله جنبان، سلسله جنبان گشت برادر این دل مجنون
چون بنشورد، چون بنشورد؟ چون مجنون را شد سر ماهش

• «را» براساس نسخه مق به جای «کش» نشسته است تا یکی از دو «ش» زاید در «کش» و «ماهش» حذف شود (همان: ۶۶۶).

علاوه بر هشت مورد تصحیح قیاسی و ترجیح نسخه بدل، در دو مورد نیز غزلی را به شاعری دیگر نسبت داده‌اند.

۱. غزل معروف:

به روز مرگ چو تابوت من روان باشد گمان مبر که مرا دردِ این جهان باشد

با استناد به مقاله‌ای از استاد احمد گلچین معانی (مقاله «آل بُنجیر» در مجله دانشکده ادبیات مشهد، سال پنجم، شماره ۲، صفحه ۲۰۹) به شرف‌الدین عبدالله زکی نسبت داده شده است (شفیعی ۱۳۸۷: ۵۳۲)؛ در حالی که این غزل در هشت نسخه اساس فروزان‌فر (جز قو) آمده و احتمال انتسابی بودن آن بسیار ضعیف است.

۲. غزل:

روی تو به رنگریزِ کان مانند زلف تو به نقشبندِ جان مانند

را که فقط در یک نسخه فذ آمده از سیدحسن غزنوی دانسته‌اند و مأخذ آن را در دیوان وی نشان داده‌اند (همان: ۴۳۰).

بقیه اظهارنظرها و پیشنهادهای ایشان درباره ضبط متن به تشکیک در انتساب غزلی تک‌نسخه‌ای منحصر می‌شود (همان: ۵۵۷)؛ تصحیح بیتی براساس ضبط بیت در *صفوة الصفا* (همان: ۵۱۷)؛ تشکیک در درستی قافیه بیت بدون پیش‌نهاد جای‌گزین (همان: ۳۷۷).
درباب بیت:

اسحاق شو در نحر ما، خاموش شو در بحر ما

تا نشکند کشتی تو در گنگ ما در گنگ ما

آورده‌اند: □ شاید بتوان از اشاره به نحر اسحاق، در این غزل و بعضی دیگر از غزلیات دیوان شمس پی برد که این‌گونه غزل‌ها سروده مولانا نیست؛ زیرا در مثنوی ... اسماعیل است نه اسحاق. و از عجایب [این‌که این‌گونه غزل‌ها] در نسخه‌های اصیل غزلیات شمس وجود ندارد. نسخه‌هایی از نوع «قو» (قونیه) و «قح» (قره حصار).
از هفت غزلی که نام اسحاق در آن‌ها آمده (در یکی از غزل‌ها، ۲۰۹۲، دو بار آمده)، سه مورد هشت نسخه پشتیبان دارند؛ دو مورد شش نسخه؛ یک مورد پنج نسخه؛ و یک مورد دو نسخه؛ از این‌رو، نمی‌توان گفت که این نوع غزل‌ها در نسخه‌های اصیل وجود ندارد. درست‌تر این است که بگوییم مولانا به هر دو قول به یک اندازه اعتقاد داشته یا اختلاف اقوال را در این موارد با تسامح می‌نگریسته و اصراری در ترجیح یکی از اقوال نشان نداده است.

چند مورد دیگر از اشارات نسخه‌شناسی استاد را در ذیل بررسی می‌کنیم:

۱. هر کی بالاست مر او را چه غمست هر کی آن جاست مر او را چه غمست

(همان: غزل ۴۳۵)

□ قافیه مطلع در نسخه قونیه (صفحه ۵۳۳) و دیگر نسخه‌ها که مورد مراجعه استاد فروزان‌فر بوده به همین صورت است. شاید یکی از دو کلمه «غم» در قافیه «کم» بوده است که یک‌سان شنیده شده است (شفیعی کدکنی ۱۳۸۷: غزل ۱۳۰، ۲۹۳).
• این غزل فقط در نسخه قونیه وجود دارد، در نتیجه استناد به دیگر نسخه‌ها در مورد آن صحیح نیست.

۲. باز آمدم باز آمدم از پیش آن یار آمدم

در من نگر در من نگر بهر تو غمخوار آمدم

(مولوی ۱۳۶۳: غزل ۱۳۹۰)

□ این غزل، به لحاظ سبک، قدری از اسلوب مولانا به دور است و فقط در دو نسخه، آن هم به صورت ناقص نقل شده است (شفیعی کدکنی ۱۳۸۷: ۷۱۵).

• اگرچه این غزل فقط در دو نسخه «قو» و «چت» آمده است، باید توجه داشت که نسخه «قو» یکی از سه نسخه کهن تر و قابل اعتمادتر دیوان کبیر است. استاد فروزان فر درباره این نسخه (که به شماره ۲۱۱۳ در موزه آثار مولانا در قونیه نگهداری می‌شود) چنین نظری داده‌اند: تاریخ [کتابت] ندارد، ولی شیوه خط و دقتی که در شکل و اثبات حرکت و سکون کلمات به کار رفته و صحت کم‌نظیر آن گواهی عدل است که نزدیک به زمان مولانا و اواخر قرن هفتم از روی نسخه‌های دست‌اول کتابت شده است (مقدمه مصحح، جلد اول دیوان). هم‌چنین این نسخه یکی از سه نسخه‌ای است که استاد مجتبی مینوی معتقد بود هرچه در آنهاست از مولاناست و افزون‌بر آن در دوره‌های بعد به غزلیات مسلم مولانا افزوده شده است (مینوی ۱۳۸۶: ۵-۱۸).

۳. ناآمده سیل تر شدستیم نارفته به دام پای بستیم

(مولوی ۱۳۶۳: غزل ۱۵۶۹)

□ این غزل سروده مولانا نیست و از آن سلطان ولد فرزند اوست (دیوان سلطان ولد، ۲۵۵). در آنجا تعداد ابیات ۹ بیت است و تخلص ولد هم دارد: با خلق، ولد نمای این را / کز جوی حدوث چون بجستیم. ضمناً در نسخه‌های معتبر دیوان شمس یعنی «قو»، «قح»، و «عد» هم این غزل نیامده است (شفیعی کدکنی ۱۳۸۷: ۸۲۵).

• با وجود اذعان استاد به این‌که این غزل از مولانا نیست، معلوم نیست که آوردن آن در این گزیده چه وجهی داشته است؟! با عنایت به این‌که استاد فروزان فر نقل تمامی اشعار موجود در نسخه‌های مرجع را بر خود فرض می‌دانستند، وجود این نوع غزل‌ها در تصحیح ایشان وجهی دارد، ولی برای استاد شفیی که فقط می‌خواستند گزیده‌ای از بهترین اشعار مولانا ترتیب دهند، گنجاندن غزلی از سلطان ولد در دیوان مولانا چه ضرورتی داشته است؟!

۴. خویش را چون خار دیدم سوی گل بگریختم

خویش را چون سرکه دیدم در شکر آمیختم

(مولوی ۱۳۶۳: غزل ۱۵۸۶)

□ این غزل از سلطان ولد فرزند مولاناست و در دیوان او، صفحه ۲۲۷ چاپ استاد سعید نفیسی آمده است با تخلص ولد. ضمناً در نسخه‌های «قو»، «قح»، «عد» (که اصیل‌ترین نسخه‌های دیوان شمس است) این غزل نیامده است (همان: ۸۳۷).

• نقل این غزل نیز بنا به توضیح مذکور در غزل پیش توجیهی ندارد.

۵. اندر دو کون جانا بی تو طرب ندیدم

دیدم بسی عجایب چون تو عجب ندیدم

(مولوی ۱۳۶۳: غزل ۱۶۹۰)

□ این غزل که بسیاری از ویژگی‌های سبک شخصی مولانا را در خود دارد، به نام نزاری قهستانی (۶۴۵-۷۲۰) و با تخلص نزاری در بسیاری از نسخه‌های دیوان او دیده می‌شود. نزاری شاعری است وابسته به فرقه اسماعیلیه و سبک شعری او از این اسلوب قدری به دور می‌نماید. در دیوان نزاری، چاپ استاد مظاهر مصفا، جلد ۲ صفحات ۷۹ تا ۸۰ هفت بیت از این غزل، که در کلیات شمس جمعاً دوازده بیت است، آمده است؛ با این تخلص:

هیئات ای نزاری فضل و ادب رها کن

تا تو ادب بجستی در تو ادب ندیدم

اگر واقعاً این غزل از نزاری باشد، شاید علت ورود آن به دیوان شمس این بیت باشد:

هم شمس و هم قمر تو، هم نور و هم بصر تو

ای مادر و پدر تو جز تو نسب ندیدم

در کلیات شمس تخلص غزل بدین گونه است:

ای شمس حق تبریز ای اصل اصل جان‌ها

بی بصره وجودت من یک رطب ندیدم

باید یادآوری کرد که در نسخه‌های معتبر دیوان شمس یعنی نسخه‌های «قو» (قونیه)، «قح» (قره حصار)، «عد» (اسعد افندی) این غزل دیده نمی‌شود. مشکل این جاست که قواعد نسخه‌شناسی در این جا در تعارض با قواعد سبک‌شناسی است (شفیعی کدکنی ۱۳۸۷: ۸۸۷).
• از موارد پرفایده‌ای است که استاد در آن هم به مأخذ اصلی یکی از غزلیات الحاقی دیوان شمس اشاره کرده‌اند و هم بر اصالت سه نسخه مورد تأکید استاد مینوی صحه گذاشته‌اند.

۶. جز حریف ظریف نگزینیم با کسانِ خسانِ نیامیزیم

(مولوی ۱۳۶۳: غزل ۱۷۶۶)

□ کسان خسان: جمع آوردن صفت برای موصوف جمع در متون قبل از مولانا، به‌ویژه در شاعران عصر غزنوی و سلجوقی، امری است رایج و مولانا که زبانی به‌لحاظ تاریخی بسیار گسترده دارد از کاربردهای قدما سود جسته است و شاید هم در لهجهٔ ماوارالنهری خاندان مولانا این نوع استعمال هنوز باقی بوده است (شفیعی کدکنی ۱۳۸۷: غزل ۶۵۶، ۹۱۲) • این غزل، در میان نه نسخهٔ مورد مراجعهٔ استاد فروزان‌فر فقط در نسخهٔ متأخر «فد» (۷۶۸-۷۷۰) وجود دارد و به‌احتمال نزدیک به یقین از مولانا نیست.

۷. بیا بیا دلدار من دلدار من درآ درآ در کار من، در کار من
تویی تویی گلزار من، گلزار من بگو بگو اسرار من، اسرار من

(مولوی ۱۳۶۳: غزل ۱۷۸۵)

□ بعضی از ابیات و مصراع‌های این غزل، به‌لحاظ عروضی با «مفاعلن» آغاز می‌شود بسیاری دیگر با «مستفعلن» و این از ویژگی‌های موسیقایی غزل‌های مولانا است. ساخت صورت این غزل نیز در عرف غزل سنتی رایج در میان اهل ادب نیست و قافیه‌بندی و تغییرات قوافی اصلی و قافیه‌های داخلی آن نسبت به دیگر غزل‌ها متفاوت است (شفیعی کدکنی ۱۳۸۷: ۹۱۸).

• این غزل نیز در میان نه نسخهٔ مرجع استاد فروزان‌فر تنها در نسخهٔ «قص» (نسخهٔ شمارهٔ ۱۵۸۷ مورخ ۷۳۰ در کتاب‌خانهٔ قدک احمدپاشا در شهر افیون قره حصار) موجود است و به‌احتمال زیاد تقلید یکی از درویشان فرقهٔ مولویه از سبک و لحن غزل‌های مولوی باشد.

۸ بی جا شو در وحدت در عین فنا جا کن

هر سر که دوی دارد در گردن ترسا کن

(مولوی ۱۳۶۳: غزل ۱۸۷۶)

□ لحن این غزل قدری از اسلوب مولانا به دور است و در نسخه‌های «قو»، «قح» و «مق» هم نیامده است (شفیعی کدکنی ۱۳۸۷: ۹۶۵).

• علی‌رغم این اظهارنظر، درمورد ترکیب «هندو بک» در بیت سوم همین غزل (چون مست ازل گشتی شمشیر ابد بستان / هندو بک هستی را ترکانه تو یغما کن) آمده است: «هندو بک» کلمه‌ای است که مولانا خود ساخته است. معلوم نیست استنباط کلی سبک‌شناختی از غزل با استناد به نسخه‌های معتبر را باید داور نهایی استاد فرض کرد یا اشارهٔ او را نسبت به ترکیب «هندو بک» که نسبت غزل را به مولانا تقویت می‌کند.

۶. نتیجه‌گیری

علی‌رغم این‌که از آغاز به چاپ مجلدات کلیات شمس به تصحیح فروزان‌فر نزدیک به شصت و از اتمام کار انتشار مجموعه ده‌جلدی آن بیش از پنجاه سال می‌گذرد و از همان آغاز انتقاداتی بر آن وارد بوده است، آن چاپ هنوز مرجعیت خود را از دست نداده و هیچ تصحیح و چاپ دیگری جای‌گزین آن نشده است. افزودن حواشی به متن تصحیح فروزان‌فر، از جمله ترجمه عبارات و ابیات عربی و ترجمه معدود ابیات یا مصراع‌های ترکی و یونانی در تجدیدچاپی از تصحیح فروزان‌فر، که به‌اهتمام توفیق سبحانی منتشر شد، در میان چاپ‌های متعدد مبتنی بر تصحیح فروزان‌فر گامی به جلو محسوب می‌شود. چاپ بعدی توفیق سبحانی بر مبنای تک‌نسخه قونیه مورخ ۷۶۸-۷۷۰، علی‌رغم انتظاری که با مطالعه مقدمه کتاب در خواننده ایجاد می‌شود، در مقایسه با تصحیح فروزان‌فر ضابط‌های قابل قبول‌تر یا امتیاز دیگری نداشت که ترجیح آن را موجه و مستدل سازد.

از کسانی که برای تکمیل و متمیم کار عظیم استاد فروزان‌فر صلاحیت انکارناپذیر دارند، استاد شفیعی کدکنی است، ولی ایشان در آخرین کاری که روی کلیات شمس انجام دادند، چنین خواسته و انتظاری را برنیآوردند.

غزلیات شمس تبریز از لحاظ حواشی و تعلیقات بسیار سودمند و پرنکته است و هم‌چنان‌که استاد در ضمن گزارش کار متذکر شده‌اند^۷ حاصل سال‌ها مطالعه دقیق در متون ادبی و عرفانی به‌صورت نکته‌هایی در تفسیر و توضیح ابیات به‌کار آمده است؛ اما علی‌رغم اشراف و خبرگی ایشان در نسخه‌شناسی از لحاظ تصحیح متن، کار چشم‌گیری صورت نگرفته است و برخلاف آنچه استاد در مقدمه گفته‌اند، متن ایشان با نسخه مصحح فروزان‌فر تفاوت چشم‌گیری ندارد و فراتر از اعمال چند تصحیح قیاسی و جابه‌جایی نسخه‌بدل‌ها با ضبط متن کاری صورت نگرفته است.

پی‌نوشت‌ها

۱. رمزهای مربوط به نسخه‌ها از مقدمه استاد فروزان‌فر بر کلیات شمس برگرفته شده است؛ بنگرید به مولوی ۱۳۶۳.
۲. اطلاعات مربوط به چاپ‌های کلیات از «کتاب‌شناسی مولوی» استخراج و حتی‌الامکان به خود چاپ‌ها نیز مراجعه شده است.

۳.

مدت استفاده از حقوق مادی پدیدآورنده موضوع این قانون که به موجب وصایت یا وراثت منتقل می‌شود، از تاریخ مرگ پدیدآورنده سی سال است (قانون حمایت حقوق مؤلفان و ...؛ بنگرید به آذرنگ ۱۳۷۵: ۲۲۴).

۴.

یادآوری این امر ضرورت دارد که به علل بسیاری هنوز جای چاپ انتقادی دیگری از دیوان شمس هم چنان خالی است (شفیعی کدکنی ۱۳۸۵: پانوشت صفحه بیست‌ونه).

۵. در مقابل توضیحات استاد شفیعی کدکنی علامت □ گذاشته شده است.

۶. این علامت • نشانه توضیحات نگارنده است.

۷.

در هر گوشه ادب و فرهنگ ایرانی و اسلامی نکته‌ای دیده‌ام که در فهم سخن مولانا یاری‌دهنده باشد، آن را در تفسیر و شرح غزل‌ها و رباعی‌ها آورده‌ام (شفیعی کدکنی ۱۳۸۷: صفحه دوازده).

کتاب‌نامه

- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۵)، *گزیده غزلیات شمس*، تهران: علمی و فرهنگی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۷)، *غزلیات شمس تبریز*، ۲ ج، تهران: سخن.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۵)، *سبک‌شناسی شعر*، تهران: فردوس.
- صدیق بهزادی، ماندانا (۱۳۸۵)، *کتاب‌شناسی مولوی*، ویراسته دوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی
- مولوی، جلال‌الدین محمد بلخی (۱۳۶۳)، *کلیات شمس تبریزی یا دیوان کبیر*، با تصحیحات و حواشی استاد بدیع‌الزمان فروزان‌فر، تهران: امیرکبیر.
- مولوی، جلال‌الدین محمد بلخی (۱۳۸۶)، *دیوان کبیر کلیات شمس تبریزی*، براساس نسخه معروف به نسخه قونیه، توضیحات، فهرست، و کشف الابیات: توفیق هاشم‌پور سبحانی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- مولوی، جلال‌الدین محمد بلخی (۱۳۸۶)، *دیوان کبیر؛ کلیات شمس تبریزی*، چاپ عکسی از روی نسخه خطی موزه مولانا در قونیه، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- مینوی، مجتبی (۱۳۸۶)، «لرزم اهتمام در چاپ کردن کتب مولانا به طریق صحیح انتقادی»، تجدید چاپ سخن‌رانی استاد در مجلس بزرگ‌داشت مولانا در دانشگاه تهران در ۱۳۵۳، *نامه انجمن*، س ۷، ش ۳، پاییز.
- هاشم‌پور سبحانی، توفیق (۱۳۸۶)، «دیوان کبیر قونیه و کلیات شمس فروزان‌فر»، *ادب پژوهی*، ش ۲.